

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

برگردان از: توسط حمید محوی

۰۸ می ۲۰۱۲

## استعمار در آسیا

### کارل مارکس و فردریش انگلس

۳

۶

کارل مارکس

فریبکاریهای روس. شکست گلاستون (۱)

اصلاحات سر شارل وود (۲) برای هند شرقی

لندن، سه شنبه، ۷ جون ۱۸۵۳

نیویورک دلی تریبون شماره ۳۸۰۱ .

جون ۲۲ جون ۱۸۵۳

...آخرین طرح قانون پارلمانی انگلیس به سال ۱۷۸۳ در خصوص هند که برای کابینه ائتلافی آقای فوکس (۳) و لرد نورس (۴) گران تمام شده بود، یک بار دیگر بیم این می رود که امسال (۱۸۵۳) نیز طرح جدید مرتبط با هند، که اخیراً تسلیم پارلمان شده است برای کابینه ائتلافی مستر گلاستون و لرد جان راسل (۵) گران تمام شود. ولی اگر اولی در پی تلاشهایش برای براندازی شورای رؤسا و مشاورین سهامداران [Courts of Directors and of Proprietors] سرنگون شد، دومی نیز در تهدید همان سرنوشت قرار گرفته است، ولی به دلیل کاملاً معکوس. روز ۳۰ جون سر شارل وود درخواست اجازه کرد تا طرح جدیدش را برای اداره هند تسلیم کند. در آغاز سر شارل وود با درخواست پوزش به خاطر سخنرانی طولانی خود، به «اهمیت و وسعت مسأله» اشاره می کند و این که چنین طرحی «به سرنوشت صدو پنجاه میلیون انسان بستگی دارد». ولی چرا با این همه عجله می بایستی برای مسأله ای به این اهمیت طرح قانون جدیدی ارائه

می کردیم، در حالی که معمولاً حتی برای انجام کارهای بی اهمیت، اجرای آن را به تأخیر می اندازیم و به خودمان فرصت بیشتری می دهیم؟ علت این است که اعتبار معاهدات با کمپانی هند شرقی در ۳۰ اپریل ۱۸۵۴ به پایان می رسد. طرح او بر این اساس بود که از فرصت باقی مانده استفاده کرده و قرارداد کمپانی را به شکل موقتی تمدید کند و تصویب طرح قانونی دراز مدت را به مذاکراتی در آینده مشروط سازد. زیرا به زعم او، هرگز فرصتی مناسب تر از این وجود نداشت که با انبساط و آسودگی خاطر به بررسی مسأله ای به این وسعت و اهمیت پرداخته شود، به عبارت دیگر یعنی مهار ساختن آن از طریق پارلمان. از طرف دیگر «ما در این زمینه اطلاعات کاملی در اختیار داریم»، زیرا رؤسای کمپانی هند شرقی بر این عقیده بودند که ضرورتی عاجل ایجاب می کند که این مسأله از راه قانونی در این مرحله حل شود، و والی کلّ هند، لرد دالهاوسی (۶)، طی نامه ای فوری دولت را فرا می خواند که به هر قیمتی شده طرح جدید را به شکل عاجل به تصویب رساند. ولی مهم ترین استدلال سر شارل برای به تصویب رساندن فوری طرح قانونی جدیدش، این است که علی رغم این که آماده بودن طرح، مسائل متعددی هستند که هنوز «در برنامه مطروحه گنجانده نشده است».

پس از این مقدمه چینی ها، سر شارل در مدح ساخت و ساز اداری هند در طول بیست سال گذشته، مطالبی ایراد کرد. «ما باید هند را با چشمان هندی ها نگاه کنیم»، ولی این گونه به نظر می رسد که برخی از چشم ها این خاصیت را دارند که هر آن چه را که به انگلیسی ها مربوط می شود به رنگ گل های بهاری ببینند و هر آن چه را که هندی است، سیاه منعکس کند.

«در هند، شما با نژادی از انسان ها سروکار دارید که به کندی تحول می یابد و به علت اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم قدیمی و پوسیده دچار رکود شده است. در واقع هر گونه پیشرفت و تحول سریع در آن جا فوراً با تمام موانع قابل تصور روبه رو می شود.» ( هند شاید واجد یک حزب متحد و بیگ (۷) باشد.)

سر شارل اعلام کرد که :

«نکاتی که خصوصاً روی آن ها تأکید شده بود و به موارد اصلی شکایات موجود در شکایت نامه ای که به کمیسیون ارسال گردیده به امور قضائی، کارهای عمرانی و مالکیت ارضی مربوط می شود.»

در رابطه با طرح های عمرانی، دولت فعالیت های بسیار گسترده و وسیعی را پیشنهاد کرده است. در مورد مالکیت ارضی، سر شارل با درایت کامل ثابت می کند که اشکال سه گانه موجود یعنی - نظام «زمینداری» (۸)، «ریوتواری» و نظام روستائی - که تنها یکی از اشکال بهره برداری مالی هستند که توسط کمپانی تحمیل شده اند و هیچ کدام علت وجودی دیگری نداشته است. و سر شارل نیز شکل دیگری از بهره برداری مالی را که در قطب مخالف باشد به ذهنش راه نمی دهد.

«آن چه به امور قضائی مربوط می شود، شکایات غالباً مرتبط است با کاستی های آئین دادرسی نظام قضائی انگلیس و عدم صلاحیت قضات انگلیسی و به همین گونه بز هکاری کارمندان و قضات بومی.»

و برای این که نشان دهد تا چه اندازه تضمین فعالیت عملی دستگاه قضائی در هند دشوار است، سر شارل به کمیسیون ویژه امور قضائی که در سال ۱۸۳۳ تشکیل شده بود اشاره می کند. ولی به اساس اظهارات خود سر شارل وود پرشی که مطرح می باشد این است که کمیسیون مزبور به چه نحوی وارد عمل شد؟ اولین و یگانه نتیجه این تلاش ها ایجاد قانون جزائی بود که به عنایت آقای مکولای (۹) تحقق یافت. این قانون به مقامات مختلف محلی هند ارسال شد و سپس به کلکته بازگشت کرد و از آنجا به انگلستان فرستاده شد و دوباره به هند برگردانده شد. در این مرحله، بعد از این که آقای بتون (۱۰) در پست مشاور حقوقی جایگزین آقای مکولای شد، قوانین به طور کلی تغییر کرد. با استناد به همین بهانه،

والی کل (۱۱) که در آن دوران «به تعویق انداختن» را هنوز «منشأ ضعف و خطرناک» برآورد نمی کرد، برای بار دوم آن را به انگلستان فرستاد و انگلستان نیز آن را دوباره با حکم تصویب به والی کل بازگرداند. بعد از مرگ بتون، والی کل کاری بهتر از این نمی توانست انجام دهد که متن قوانین را برای سومین بار به یک قاضی انگلیسی بسپارد که از سنت های هندی هیچ اطلاعی نداشت، و به اساس اختیاراتش آن را به فرد دیگری سپرد که او نیز صلاحیت کافی نداشت. و این بود داستان سرنوشت قوانینی که هنوز تکلیفش روشن نشده است. و اما در مورد پوچی آئین دادرسی در هند باید دانست که، سر شارل به آئین دادرسی انگلیس مراجعه می کند که همانقدر پوچ است که قبلی. و با تأکید روی فساد ناپذیر بودن مطلق قضاات انگلیسی در هند، اعلام می کند که با این حال حاضر است آنها را قربانی کند و تغییراتی در گزینش قضاات انجام دهد. سر شارل به پیشرفت های عمومی هند اشاره داشته و موقعیت فعلی دهلی را با زمانی مقایسه می کند که در سال ۱۷۳۹ تحت اشغال شاه ایران، نادر شاه در آمده و به تاراج رفته بود. سر شارل با به عاریت گرفتن استدلالات و توصیه سرشناس ترین اقتصاد دانان در مورد مالیات بستن به محصولات مورد نیاز اولیه، مالیاتی را که به نمک بسته بودند توجیه می کند. ولی سر شارل به این موضوع نمی پردازد که این متخصصین امور مالی چه خواهند گفت، وقتی بشنوند که در طی دو سال ۱۸۴۹-۱۸۵۰ تا ۱۸۵۱-۱۸۵۲ مصرف نمک تا ۶۰۰۰۰ بشکه کاهش یافته؟ یعنی ۴۱۵۰۰۰ لیور استرلینگ کاهش در درآمد حاصله از روی مالیات نمک که کل آن بالغ بر ۲۰۰۰۰۰۰ لیور استرلینگ است.

موارد پیشنهاد شده توسط سر شارل که در چهار چوب تنگی گنجانده شده است، عبارتند از:

- ۱) شورای مدیران متشکل از هجده عضو به جای بیست و چهار عضو، که دوازده نفر از آنها توسط سهام داران انتخاب خواهند شد و شش نفر دیگر توسط دستگاه سلطنتی بریتانیا.
  - ۲) حقوق مدیران از ۳۰۰ لیور استرلینگ به ۵۰۰ لیور استرلینگ ارتقاء می یابد و به رئیس هیأت مدیره ۱۰۰۰ لیور استرلینگ تعلق خواهد گرفت.
  - ۳) تمام پست های اداری مربوط به امور مدنی و تمام انتصابات در هند با خصوصیت علمی در ارتش از طریق کنکور برگزیده خواهند شد.
  - ۴) والی کل، از این پس حکمرانی بنگال را به عهده نخواهد داشت (۱۲)، و والی کل مجاز خواهد بود که رؤسای مناطق هند را تعیین کند.
  - ۵) تمام موارد قید شده به اجراء گذاشته خواهند شد، و تغییر و تحول در آن مشروط خواهد بود به تصمیمات احتمالی پارلمان.
- گفتمان سر شارل وود و قوانین پیشنهادی او مورد انتقادات شدیدی در طیف شوخ طبعی های آقای برایت (۱۳) قرار گرفت. ولی چشم اندازی که از هند ویران شده توسط مالیات های بی رویه کمپانی (هند شرقی) و دولت ترسیم می کند، موضوع ویران کردن هند توسط منچستر و مراودات آزاد را مسکوت می گذارد.

**پی نوشت:**

- 1) Gladstone
- 2) Sir Charles Wood
- 3) Mr.Fox
- 4) Lord North

5) Lord John Russel

6) Lord Dalhousie

۷) Whig حزب ویگ حزبی بریتانیایی است که در واقع از اجداد لیبرالهای امروزی ست.

۸) Zamindari, Ryotwari

نظام زمینداری و ریوتواری (رعیت داری)، نظامهای مالیاتی زمینداری هستند که انگلیس در قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در هند برقرار ساخت. قانونی که در سال ۱۷۹۳ در مورد زمین های دائمی برقرار شد تقریباً شامل تمام زمین های بنگال، بحیر و اورپسا می شد که در اختیار کشاورزانی بود که «زمیندار» بودند. تحت حکومت مغول کبیر، این فئودال ها را زمیندار می نامیدند که غالباً از بومیان بودند و تابع حکومت بودند و می توانستند زمین به ارث ببرند ولی به شرط این که سهم دولت را از دهقانانی که استثمار می کردند به عنوان مالیات می گرفتند. این نام «زمیندار» حتی به زمینداران بزرگ بنگال نیز اطلاق گردید. قانون مزبور این دهقانان را تحت حمایت دولت استعماری به مالک زمین تبدیل می کرد. با تسخیر هند همین نظام با تغییراتی چند در مناطق دیگر رواج داده شد. به این ترتیب «ری یوت» (دهقان) که تا دیروز هنوز از اعضای جامعه به حساب می آمد و واجد حقوق بود به زارع وابسته تبدیل شد. در آغاز قرن نوزدهم رؤسای بمبئی و مدراس نظام ریوتواری را اعلام کردند و دهقانان از این پس زارعین دولت نامیده شدند. زارعین از این پس می بایستی به دولت بریتانیا به اساس شاخص هائی که دولت استعماری تعیین می کرد مالیات می پرداختند. به این ترتیب زارعین دولتی سهم مالکیت زمین را به دست می آوردند. این نظام حقوقی متناقض از زمانی که مالیات به زمین بستند تا جایی پیش رفت که زارعین دیگر قادر به پرداخت مالیات ها نبودند.

9) Mr. Macaulay

10) Mr. Bethun

11) Dalhousie

۱۲) به اساس قرارداد ۱۸۳۳ والی کل بنگال حق حاکمیت بر تمام هند را نیز داشت

13) Mr. Brig

ادامه دارد